

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بنام خداوند، مستی بخش

# پاورپوینت عربی هشتم

## درس هشتم

### تهیه و تنظیم :

داور گیتی نورد دبیر قرآن و پیام و عربی آذربایجان شرقی شهرستان سراب





ترجمه

كَانَتْ مَجْمُوعَةٌ مِنَ الْغِزْلَانِ فِي غَابَةِ بَيْنَ الْجِبَالِ وَالْأَنْهَارِ.

در جنگلی میان کوه ها و رودها مجموعه ای از آهوها بودند



# فهرست

بدانیم



المعجم



فن ترجمه



متن درس



تمارین



الفِعْلُ الْمُضَارِعُ





# آباء

پدران « مفرد: أَب »





إِضَاعَة

تلف کردن





ألا

هان، آگاه باش





جَلَبَ | يَجْلِبُ

آورد | می آورد







حَطَب

هيزم





حَمَامَة

كَبوتر





# حَوَائِج

نیازها «مفرد: حاجَة»





# ذئب

گرگ ها «مفرد: ذئب»





الرَّابِع، الرَّابِعَة

چارم



# رَحِمَ اللهُ وَالِدَيْكَ

خدا پدر و مادرت را بیامرزد!



صَارَتْ عَلَيْكُمْ زَحْمَةٌ

برایتان زحمت شد



صَيْدَلِيَّة

داروخانه







ضَحِك | يَضْحَك

خندید | می خندد





طائر

پرندہ





عِنْدَمَا

وَقْتِي كَه





غَابَة

جنگل





غَزْلَان

آهوها: «مفرد: غزال»





فَرَح

شادی





فَرَاخٌ

جوجه «جمع: فِرَاخ»



as

/æz/

همان طور کہ

(حرف ربط)

گما

همان طور کہ







# مُسْتَشْفَى

بیمارستان «جمع: مُسْتَشْفِیَات»





اَنصَر

يَارِي





هَجَمَ | يَهْجُمُ

حمله کرد | حمله می کند





يَيْسَ | يَيْسُ

نامید شد | نامید می شود



# أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ



كَانَتْ مَجْمُوعَةٌ مِنَ الْغِزْلَانِ فِي غَابَةِ بَيْنَ الْجِبَالِ وَالْأَنْهَارِ

ترجمه

در جنگلی میان کوه ها و رودها مجموعه ای از آهوها بودند



في يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ هَجَمَتْ خَمْسَةُ ذِيَابٍ عَلَى الْغِزْلَانِ ...



الْغَزَالُ الْأَوَّلُ: إلهي، ماذا نَفَعَلُ؟

الْغَزَالُ الثَّانِي: لا نَقْدِرُ عَلَى الدَّفَاعِ

قَالَتْ غَزَالَةٌ صَغِيرَةٌ فِي نَفْسِهَا «ما هُوَ الْحَلُّ؟ عَلَيَّ بِالتَّفَكُّرِ. سَأَنْجِحُ»

در روزی از روزها پنج گرگ به آهوها حمله کرد .

آهوی اوّل : خدایا چه کار کنیم؟

آهوی دوّم : نمی توانیم دفاع کنیم

آهوی کوچکی با خودش گفت: راه حلّ چیست؟ باید فکر کنم. موفق خواهم شد.



ترجمه



الْغَزَالَةُ الصَّغِيرَةُ شَاهَدَتْ عُصْفُورًا؛ فَسَأَلَتْهُ: «هَلْ خَلْفَ تِلْكَ الْجِبَالِ عَالَمٌ آخَرُ؟»

أَجَابَ الْعُصْفُورُ: «لا»

الْغَزَالَةُ الصَّغِيرَةُ مَا يَيْسَتْ فَشَاهَدَتْ حَمَامَةً وَ سَأَلَتْهَا: «يَا أُمَّ الْفَرَّخَيْنِ، هَلْ وَرَاءَ تِلْكَ الْجِبَالِ



عَالَمٌ غَيْرُ عَالَمِنَا؟» سَمِعَتْ مِنْهَا نَفْسَ الْجَوَابِ

آهوی کوچک گنجشکی را دید؛ پس از او پرسید: آیا پشت آن کوهها دنیای دیگری است؟

گنجشک جواب داد: «نه»

آهوی کوچک نا امید نشد پس کبوتری را دید و از او پرسید: «ای مادر جوجه ها، آیا پشت آن کوه ها دنیایی غیر از دنیای ماست؟ از او همان پاسخ را شنید.



ترجمه

الْغَزَالَةُ شَاهَدَتْ هُدُوداً وَ سَأَلَتْهُ: «هَلْ خَلْفَ الْجِبَالِ عَالَمٌ غَيْرُ عَالَمِنَا؟»

أَجَابَ الْهُدُودُ: «نَعَمْ»

فَصَعِدَتِ الْغَزَالَةُ الْجَبَلَ الْمُرْتَفِعَ وَ وَصَلَتْ فَوْقَهُ فَشَاهَدَتْ **غَابَةً** **وَاسِعَةً**؛ ثُمَّ رَجَعَتْ وَ قَالَتْ

**لِأَبَائِ** الْغِزْلَانِ: «أَتَعْرِفُونَ أَنَّ خَلْفَ الْجِبَالِ عَالَمًا آخَرَ؟» .

وَ قَالَتْ لِأُمَّهَاتِ الْغِزْلَانِ : «أَتَعْرِفْنَ أَنَّ خَلْفَ الْجِبَالِ عَالَمًا آخَرَ؟»



آهو هدهدی را دید و از او پرسید: «آیا پشت آن کوه ها دنیایی به غیر از دنیای ما وجود دارد؟  
هدهد جواب داد: «بلی»

پس آهو از کوه بلند بالا رفت و به بالای آن رسید پس جنگلی پهناور را دید؛  
سپس برگشت و به پدران آهوها گفت: «آیا می دانید همانا پشت کوه ها دنیای دیگری هست؟  
و به مادران آهوها گفت: «آیا می دانید همانا پشت کوه ها دنیای دیگری هست؟»



ترجمه



فَقَالَ الْغَزَالُ الْأَوَّلُ بِغَضَبٍ: كَيْفَ تَقُولِينَ هَذَا الْكَلَامَ؟!  
وَ قَالَ الْغَزَالُ الثَّانِي: كَأَنَّكَ مَجْنُونَةٌ!  
وَ قَالَ الْغَزَالُ الثَّلَاثُ: هِيَ تَكْذِبُ

پس آهوی اول با خشم گفت: چطور این سخن را می گویی؟

و آهوی دوم گفت: مثل اینکه تو دیوانه ای!

و آهوی سوم گفت: او دروغ می گوید.



ترجمه

وَقَالَتِ الْغَزَالَةُ الرَّابِعَةَ: أَنْتِ تَكْذِيبِينَ . قَطَعَ رَئِيسُ الْغِزْلَانِ كَلَامَهُمْ وَ قَالَ: «هِيَ صَادِقَةٌ لَا تَكْذِبُ؛ عِنْدَمَا كُنْتُ صَغِيرًا؛ قَالَ لِي طَائِرٌ عَاقِلٌ: خَلْفَ الْجِبَالِ عَالَمٌ آخَرٌ وَ قُلْتُ ذَلِكَ لِرَئِيسِنَا لِكِنَّهُ مَا قَبِلَ كَلَامِي وَ ضَحِكَ. كَمَا تَعْرِفُونَ أَنَا أَطْلُبُ صِلَاحَكُمْ دَائِمًا؛ فَعَلَيْنَا بِالْمُهَاجِرَةِ» صَعِدَ الْجَمِيعُ الْجَبَلَ وَ وَجَدُوا عَالَمًا جَدِيدًا وَ فَرِحُوا كَثِيرًا

و آهوی چهارم گفت: تو دروغ می گویی

رئیس آهوها سخانشان را قطع کرد و گفت: «او راستگوست و دروغ نمی گوید. هنگامی که من کوچک بودم؛ پرنده ای عاقل به من گفت: پشت کوه ها دنیای دیگریست و آن را به رئیسمان گفتم اما سخن مرا قبول نکرد و خندید.

همانطور که می دانید من همیشه صلاح شما را می خواهم؛ پس باید مهاجرت کنیم.

همگی از کوه بالا رفتند و دنیای جدیدی را یافتند و بسیار خوشحال شدند.

ترجمه



الفِعْلُ الْمُضَارِعُ : (تَفْعَلُونَ ، تَفْعَلْنَ ، تَفْعَلَانِ)



أَيُّهَا الطَّالِبَاتُ، ماذا تَفْعَلْنَ؟  
نُصنعُ بيتاً خَشِيباً. ●

ای دانش آموزان چه کار می کنید؟  
خانه ایی چوبی می سازیم

أَيُّهَا الرِّجَالُ، أينَ تَذْهَبُونَ؟  
نَذْهَبُ إِلَى الحُدُودِ لِلدِّفاعِ عَنِ الوَطَنِ. ●

ای مردان کجا می روید؟  
برای دفاع از وطن به مرز می رویم



الفِعْلُ الْمُضَارِعُ : (تَفْعَلُونَ ، تَفْعَلْنَ ، تَفْعَلَانِ)



أَيُّهَا الْمَرَاتَانِ، إِلَى أَيْنَ تَذْهَبَانِ؟  
نَذْهَبُ إِلَى عَيْنِ الْمَاءِ ●

ای زنان به کجا می روید؟  
به چشمه ی آب می رویم

أَيُّهَا الزَّمِيلَانِ، مَتَى تَلْعَبَانِ كُرَّةَ الْمِنْضَدَةِ؟  
نَلْعَبُ بَعْدَ دَقِيقَةٍ . ●

ای همشاگردیها کی تنیس روی میز بازی می کنید؟  
پس از یک دقیقه بازی می کنیم


## بدانیم

در پاسخ به کلمه پرسشی « **مَتَى** : چه وقت » کلماتی می آیند که بر زمان دلالت دارند؛

الْيَوْمَ / أَمْسٍ / غَدٍ / صَبَاحٍ / عَصْرٍ / مَسَاءٍ / لَيْلٍ / قَبْلَ سَنَتَيْنِ / بَعْدَ أُسْبُوعَيْنِ / فِي الشَّهْرِ الْمَاضِي / فِي الشَّهْرِ الْقَادِمِ...

مثال: **مَتَى وَصَلْتُمْ إِلَى الْفُنْدُقِ؟ قَبْلَ يَوْمَيْنِ.**

ترجمه کنید.

( **مَتَى نَصَرَ اللَّهُ أَلَا إِنَّ نَصَرَ اللَّهِ قَرِيبٌ** . البقرة: ۲۱۴ ) 

یاری خدا چه وقت است؟ آگاه باشید که یاری خدا نزدیک است.

ادامه مطلب

در گروه های دو نفره مکالمه کنید.

مَسَاءً

صَبَاحَ

ظُهْرَ

عَصْرَ

۱. مَتَى تَكْتُبُ (تَكْتُبِينَ) وَاجِبَاتِكَ (وَاجِبَاتِكَ)؟

۲. مَتَى وَصَلْتَ (وَصَلْتِ) إِلَى الْمَدْرَسَةِ؟

۳. مَتَى تَخْرُجُ (تَخْرُجِينَ) مِنَ الْمَدْرَسَةِ؟

۴. مَتَى تَرْجِعُ (تَرْجِعِينَ) إِلَى هُنَا؟

پاسخها اختیاری است

## فَنِّ تَرْجَمَه

در جمله زیر تصویر، فعل مفرد به کار رفته در حالی که انجام دهنده آن اسم مثنی یا

جمع است؛ در چنین جمله هایی فعل به صورت **جمع** ترجمه می شود؛ مثال:

**تَعْمَلُ** هَاتَانِ الْفَلَّاحَتَانِ فِي الْمَرْعَةِ.

این خانم های کشاورز در کشتزار **کار می کنند**.



ادامه مطلب

جمله های زیر را با توجه به قاعده ذکر شده ترجمه کنید.

۱. **تَطْبِخُ النِّسَاءِ طَعَامَ السَّفَرِ.** ..... **زنان غذای مسافرت را می پزند**

۲. **رَجَعَتْ أَخَوَاتِي مِنْ بَيْتِ جَدِّي.** ..... **خواهرانم از خانه ی پدر بزرگم برگشتند**

۳. **يَخْرُجُ اللَّاعِبَانِ مِنْ سَاحَةِ الْمُسَابَقَةِ.** ..... **بازیکنان از میدان مسابقه خارج می شوند.**



## التَّمارين

التَّمرين الرَّابِع



كَنْزُ الحِكْمَةِ



التَّمرين الأوَّل



التَّمرين الثَّاني



التَّمرين الثَّالث



## التَّمارين

التَّمرين الأوَّل: (با توجَّه به متن درس، جمله های درست و نادرست را معلوم کنید)

نادرست



درست



١. الْغَزَالَةُ الصَّغِيرَةُ شَاهَدَتْ خَلْفَ الْجَبَلِ بُيُوتَ الْفَلَاحِينَ.

٢. قَبْلَ رَئِيسِ الْغِزْلَانِ كَلَامَ الْغَزَالَةِ الصَّغِيرَةِ.

٣. الْغَزَالَةُ الصَّغِيرَةُ قَالَتْ : « عَلَيَّ بِالتَّفَكُّرِ ».

٤. سَأَلَتْ الْغَزَالَةُ الْهُدُودَ أَوَّلَ مَرَّةٍ.

٥. كَانَ عَدَدُ الذُّنَابِ خَمْسَةً.



التَّمْرِينُ الثَّانِي : بخوانید و ترجمه کنید

۱. لَكُمْ فِيهَا فَوَاكِهُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ. «المؤمنون ۱۹»  
برای شما در آن میوه های بسیاری هست و از آن می خورید

۲. قَالُوا مَنْ فَعَلْنَا هَذَا بِالْهَتِنَا . «الأنبياء ۵۹»  
گفتند چه کسی این کار را با خدایان ما کرده است؟

۳. إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا . «الزُّخْرُفُ ۳»  
همانا ما قرآن را عربی قرار دادیم

۴. وَ لَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا . «الكهف ۴۹»  
پروردگارت به کسی ستم نمی کند.

التَّامِرِينَ الثَّلَاثَ : جمله های زیر را ترجمه کنید؛ سپس زیر فعل مضارع خط بکشید.

١. أَنْتَ تَعْرِفُ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ جَيِّدًا وَ أُخْتُكَ لَا تَعْرِفُهَا مِثْلَكَ.

تو زبان عربی را بسیار خوب می دانی و خواهرت مثل تو آن را نمی داند.

٢. زَمِيلُكَ لَيْسَ مَلْبَسَ خَرِيفِيَّةً؛ فَلِمَاذَا أَنْتَ لَا تَلْبَسُ؟

هم شاگردی تو لباس پائیزی پوشید ، پس چرا تو نمی پوشی؟

٣. أَنْتِ شَعَرْتِ بِالْحُزْنِ أَمْسٍ وَ تَشْعُرِينَ بِالْفَرَحِ الْيَوْمَ.

تو دیروز احساس غمگینی می کردی و امروز احساس شادی می کنی

٤. أَنَا أَشْعُرُ بِالصُّدَاعِ؛ سَأَذْهَبُ إِلَى الْمُسْتَوْصَفِ.

من احساس سردرد می کنم؛ به درمانگاه خواهم رفت.

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ : ترجمه کنید

می خندم

می اندازی

نمی بُرد

پوشیدید

نمی پذیرید

یاری نمی کنی

نزدیک می شود

فرمانروایی می کنیم

خواهید شست

خواهد فهمید

أَضْحَكُ

تَقْدِفِينَ

لَا تَقْطَعُ

لَبِسْتُمْ

لَا تَقْبَلَانِ

لَا تَنْصُرُ

يَقْرُبُ

مَلِكُ

سَتَغْسِلُنَّ

سَوْفَ يَفْهَمُ

خندیدم

انداختی

می بُرد

می پوشید

می پذیرید

یاری می کنی

نزدیک شد

فرمانروایی کردیم

شستید

می فهمد

ضَحِكْتُ

قَدَفْتِ

تَقَطَّعُ

تَلَبَّسُونَ

تَقْبَلَانِ

تَنْصُرُ

قَرَّبَ

مَلَكْنَا

غَسَلْتُنَّ

يَفْهَمُ



بخوانید و ترجمه کنید.

۱. إِنَّ الحَسَدَ یَأْکُلُ الحَسَنَاتِ کَمَا تَأْکُلُ النَّارُ الحَطَبَ . (رسول الله ص) ● همانا حسد نیکی ها را می خورد همانطور که آتش هیضم را می خورد

۲. إِنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَیْکُمْ نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ . (علی ع) ● همانا نیازهای مردم به سوی شما، نعمتی از سوی خداست

۳. الأمانةُ تجلبُ الرِّزقَ وَ الخِیائَةُ تجلبُ الفَقْرَ . (رسول الله ص) ● امانت داری روزی می آورد و خیانت فقر می آورد

۴. إِنَّ اللَّهَ جَمِیلٌ یُحِبُّ الجَمَالَ . (رسول الله ص) ● همانا خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد

۵. إِضَاعَةُ الفُرْصَةِ عُصَّةٌ . (علی ع) ● تلف کردن فرصت، غصه بدنبال دارد

می خواهی خارج شوی؟

نه

بله